

## بنام خدا

### گزارش سی و هفتمین جلسه نظام سیاسی اسلام

#### "جامعه شناسی سیاسی وهابیت در عربستان"

پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین الملل سی و هفتمین جلسه از سلسله نشست های نظام سیاسی اسلام را با موضوع جامعه شناسی سیاسی وهابیت در عربستان روز سه شنبه مورخ ۳ اذرماه ۹۴ در سالن اندیشه برگزار کرد.

سخنران جلسه در ادامه مبحث دوجلسه به محور سوم بحث یعنی نسبت تفکر وهابیت با فرهنگ و سیاست غرب مدرن پرداختند. تعاملاتی در سطح منطقه و بین المللی بین وهابیت و دنیای غرب وجود دارد و به هر حال نوعی تسامح یا مماشات وجود میان این دو را شاهد هستیم؛ گویی نزاعی بین وهابیت و دنیای غرب دیده نمی شود و رابطه خیلی خوبی با هم دارند. البته وهابیت را در عربستان به نیروهای افراطی و معتدل تقسیم می کنند. جریان افراطی را می گویند منتقد غرب است که ظهور و بروز برجسته ای ندارد. اما آیا سنخیتی بین اردوگاه وهابی و غربی وجود دارد؟ این سنخیت از چه جنسی است؟ فرهنگی یا سیاسی است؟ به نظر می رسد نوعی تعلقات و سنخیت عقیدتی و اخلاقی بین وهابیت و مذهب پروتستان وجود دارد و خصوصا که وهابیت در ساحت سیاست ورود پیدا نمی کند.

وجه تشابهی که بین این دو دیده میشود این است که انسان شناسی پروتستان یک انسان تنهاست که هیچ کس و هیچ چیزی به او کمک نخواهد کرد و خودش به تنهایی کارهای خودش را انجام می دهد این انسان شناسی در وهابیت نیز دیده می شود. با این تفاوت که در پروتستان چون انسان شناسی فردگرایانه آن به کار عقلانی به مثابه تکلیف نگاه می کند، پویایی در این جامعه دیده می شود بخلاف وهابیت که اینگونه نیست. لذا انسان شناسی وهابی در عربستان این بازتاب را دارد که افراد تن پرور و بیکار بار می آیند و شغل اهمیتی برایشان ندارد و وابسته به پاداشها و دریافت های دولت هستند، تلاش و کوشش در چنین جامعه ای دیده نمی شود. ولی چون جوهره هر دو فرد گرایانه است قرابت بین وهابیت و فرهنگ غربی شکل می گیرد. از این رو، دنیای مدرن اینطور نیست که خود را در تعارض با وهابیت ببیند.

در ادامه این سوال مطرح شد که آیا تسامحی که بین وهابیت و غرب است کل غرب را شامل می شود یا بخش هایی که فرهنگ پروتستان را شامل می شود؟ این ارتباط چگونه جنبه سیاسی پیدا میکند؟ در پاسخ بیان شد که پروتستان به اندیشه مدرن نزدیک تر است تا کاتولیک. چون در پروتستان برخلاف کاتولیک، فردیت و تنهایی پذیرفته شده و جزو عقیده این فرقه است. غالبیتی که وجود دارد بدلیل نزدیکی پروتستان

با اندیشه مدرن یا همان فردیت است. به نظر می رسد غلبه با پروتستان است اگر کاتولیک ها حضوری دارند در ساحت سیاسی و نه عقیدتی است ولی حضور پروتستان در هر دو است. این امر در انسان شناسی وهابی وجود دارد یعنی فردیت نوعی امر پذیرفته شده است و در تثبیت قدرت حاکمه آل سعود، وهابیت نقش پررنگی دارد.

در ادامه دیگر عضو جلسه اضافه کرد یک مبنای مشترک فردیت بین مدرنیته و پروتستانتیسم وجود دارد. همین باعث می شود که رابطه بهتری از لحاظ سیاست داشته باشند. چیزی که ما از فردیت مدرن می دانیم سه ویژگی است که عبارتند از استقلال، آزادی و اصالت. که هر سه این ویژگی به امری خارج از وجودش نسبت داده میشود. یعنی همه چیز مباح است، یعنی من تصمیم گیرنده هستم، من مختارم. اما آنچه که در تفکر وهابیت است مبتنی بر تکلیف است و کمتر به سمت فردیت مدرن پیش می رود به نظر می رسد ماهیت متفاوتی دارند.

یکی از حضار ادامه میدهد چیزی که ما از وهابیت می شناسیم یک جنبش و مذهب اجتماعی است، مذهب تکلیف محور در حوزه اجتماعی است. وقتی میگوییم وهابیت یک جریان احیاگرایانه است احیا در محیط جامعه انجام می شود. مذهبی کاملا خدامحور است و احیاگر سنت گذشته است. اینها تفاوتش با فرهنگ غرب بسیار زیاد است در حوزه سیاسی و ایدئولوژیک سه عنصر تکفیر، هجرت و جهاد همه اجتماعی هستند وهابیت هجرت به جامعه مومنین را مطرح میکند. تکفیر را نسبت به مظاهر مخالف جامعه پیامبر(ص) انجام میدهد و جهاد را امری جمعی میدانند که باید امام مسلمین نظر بدهد و مبتنی بر مشروعات دینی باشد. برای مثال مدل داعش مدلی است که هیچ کشوری از آن دفاع نمی کند و جهاد را شخصی می کند این شخصی شدن جهاد به بازگشت جامعه مدنی اشاره دارد در اینجا فردیت معنا ندارد و در جامعه است که فرد هویت پیدا می کند. در اینصورت وهابیت متکثر می شود.

جمعبندی یکی دیگر از اساتید این بود که بحث از فردیت کارگشا نخواهد بود. چون برداشتها از فردیت متفاوت است و تمرکز روی کلمه فردیت شاید ما را به جایی نرساند. بحث را میتوان در جهت کلی تری مطرح کرد که آیا نسبتی بین جهان غرب و وهابیت وجود دارد؟ سیاست تکفیر در وهابیت شباهت زیادی به سنت تکفیر مسیحیان در جنگهای صلیبی دارد که همه را تکفیر می کردند. جهاد تکفیری ها هم شبیه جهاد صلیبی هاست و هیچ گاه با جهادی که در قرآن آمده یکی نیست و با ادبیات قرآنی نمی خواند. در قرآن کافر کسی است که شمشیر علیه اسلام کشیده است مثل آمریکا. آنقدر که این تیمیه و وهابیت از مسیحیت تاثیر پذیرفته اند، از فرق اسلامی متاثر نبوده اند.